

عباس تدینی*

ناهید توکلی**

چکیده

در حالی که سابقه تلاش ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد و با پیوستن به معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای (N.P.T) در سال ۱۹۷۰ همواره در تعامل نزدیک با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده، به یک باره اقدامات این کشور مغایر با صلح جهانی معرفی می‌شود و مصرانه توقف این فعالیتها خواسته می‌شود. گزارش دهی شورای حکام در هشتم مارس ۲۰۰۶ به شورای امنیت به دودلیل غیرقانونی است: نخست، این اقدام فاقد مستندات حقوقی و فنی است و بر پایه یک نگاه سیاسی آغاز شده است که وجاهت قانونی ندارد؛ دوم، مطابق تبصره ۳ از ماده ۱۲ اساسنامه آژانس ارجاع پرونده به شورای امنیت بعد از اثبات انحراف در فعالیت هسته‌ای و خودداری کشور مربوطه از توقف فعالیت تسلیحاتی صورت می‌پذیرد، در حالی که آژانس به صراحت فقدان نشانه‌های انحراف در برنامه هسته‌ای ایران را تایید کرده است. براساس ماده ۲۴ منشور، اگر موضوعی با «خلع سلاح هسته‌ای» مرتبط باشد، نیازی به ارجاع پرونده توسط آژانس به شورای امنیت نیست و شورای امنیت می‌تواند رأساً به آن بپردازد. بنابراین، پرونده ایران تنها زمانی باید در شورای امنیت مورد بررسی واقع شود که ایران برخلاف مقررات N.P.T سلاح هسته‌ای تولید کند.

کلید واژه‌ها: برنامه هسته‌ای ایران، شورای حکام، فعالیت‌های صلح آمیز، معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای، شورای امنیت

* استادیار حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی شیراز

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۶۲-۱۳۹

سیر افکار بشری با پایان یافتن دو جنگ جهانی و تلفات انسانی و اقتصادی چشمگیر، روندی صلح طلبانه را درمی نوردید. این روند مثبت، زمینه ساز پیشرفت اهداف قدرتهای هسته ای در زمینه عدم گسترش فناوری ساخت و تولید سلاحهای هسته ای در کشورهای عدم برخوردار از سلاحهای هسته ای گردید. دهه ۱۹۵۰ نقطه عطف تصمیم ایجاد سازمانی جهانی برای استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی بود. ترسیم خطوط اساسی ایجاد سازمانی که بتواند در این زمینه کارساز واقع شود، در سال ۱۹۵۳ به دنبال پیشنهاد آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا، به مجمع عمومی سازمان ملل آغاز شد. در دسامبر ۱۹۵۴، مجمع عمومی قطعنامه «اتم برای صلح» را تصویب کرد و در نهایت در ۱۳ اکتبر ۱۹۵۶، پیش نویس اساسنامه آژانس در یک کنفرانس بین المللی که در سازمان ملل برگزار شد، به تصویب ۸۰ دولت رسید و آژانس بین المللی انرژی اتمی در ۲۹ ژوئن رسماً پا به عرصه وجود گذاشت. در چهاردهم نوامبر همان سال، مجمع عمومی موافقت نامه ای در مورد روابط و همکاری آژانس با سازمان ملل به امضا رساند. از آن زمان به بعد، آژانس به عنوان یک سازمان بین المللی مستقل که مسئولیت هدایت استفاده از انرژی را در جهت رفاه بیشتر انسانها بر عهده دارد، فعالیت خود را آغاز کرد.

فناوری هسته ای ایران در پویشی تاریخی

فعالیتهای هسته ای ایران تاریخچه ای نسبتاً طولانی دارد و سرآغاز آن به سال ۱۹۵۷ بر می گردد. آیزنهاور- رئیس جمهور وقت آمریکا- پس از جنگ جهانی دوم برای اصلاح چهره جهانی کشورش شعار «اتم برای صلح» را مطرح نمود و شروع به همکاری هسته ای با برخی از کشورهای وابسته به خود همانند ایران نمود. آیزنهاور در سال ۱۹۵۷ در دیدار با سران انگلستان، فرانسه و آلمان غربی، نگرانی خود را از احتمال حمله شوروی به مرزهای شمالی ایران اعلام کرد و بر همین اساس وی به دوستان غربی خود گفته بود: «برای منافع آمریکا لازم است ایران اتمی شود».^۱ از این رو در سال ۱۹۵۷ یک موافقت نامه همکاری هسته ای غیر نظامی بین ایران و آمریکا امضا شد. در این راستا مجلس شورای ملی در همان سال ایجاد

مرکز اتمی دانشگاه تهران برای آموزش و پژوهش هسته‌ای را تصویب کرد و در سال ۱۹۵۸ ایران به عضویت آژانس درآمد. در سال ۱۹۶۷ یک راکتور پنج مگاواتی آموزشی و تحقیقاتی توسط آمریکایی‌ها به ایران تحویل گردید که در دانشگاه تهران راه اندازی شد. در سال ۱۹۶۸ ایران معاهده N.P.T را امضا کرد و یک سال بعد توسط مجلس شورای ملی به تصویب رسید. لازم به ذکر است که معاهده مذکور به رغم اینکه در مرکز رژیم بین‌المللی فعالیتهای هسته‌ای قرار دارد، یک معاهده تبعیض‌آمیز است؛ چرا که تعهدات و حقوق نابرابری را بین دو گروه از کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و فاقد آن برقرار می‌کند.^۲ تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان به قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن تقسیم‌بندی کرد. درحقیقت با نظر آمریکایی‌ها به نیاز ضروری ایران به استفاده از این فناوری اقدامات زیر انجام شد:

۱. در اولین مرحله یک شرکت آلمانی در بوشهر یک راکتور ۱۳۰۰ مگاواتی آب سبک نصب نمود که قبل از تکمیل آن با پیروزی انقلاب اسلامی کار آن متوقف شد و در سال ۱۹۸۷ در حملات هوایی عراق صدمه دید.

۲. فرانسه قرارداد راکتور آب سبک ۹۳۳ مگاواتی را در دارخوین اهواز به امضا رساند.

۳. در سال ۱۹۶۷ مقرر شد آمریکا راکتور آب سبک ۵ هزار مگاواتی در تهران راه اندازی نماید که طبق مطالعات آنها قرار بود در سال ۲۰۰۳ میلادی ۲۰ هزار وات برق از محل انرژی هسته‌ای در ایران تولید کند.^۳

در پی پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتهای هسته‌ای کشور تعطیل گردید و ساخت نیروگاههای هسته‌ای توسط شرکتهای فرانسوی و آلمانی متوقف شد. به دنبال قطع فعالیتهای شرکتهای غربی در ایران، زمینه‌ای پیش آمد که ایران اسلامی با تلاش بی‌وقفه جوانان توانا و سلحشور خود و تدابیر مقام معظم رهبری بعد از عبور از دو دوره عزم و خیزش هسته‌ای وارد مرحله ارزشمند ایران هسته‌ای شود و در ۲۰ فروردین ۱۳۸۵ چرخه سوخت هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران به صورت بومی و ایرانی تکمیل گردد. از این رو در جلسه مهرماه ۱۳۸۵، شورای عالی انقلاب فرهنگی روز ۲۰ فروردین را به عنوان روز ملی فناوری هسته‌ای نام‌گذاری کرد.

اهداف و انگیزه‌های ایران در تلاش برای بهره‌برداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای

طبق سیاست‌های اعلامی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد هسته‌ای ایران بر مبنای خودداری از تولید سلاح هسته‌ای قرار دارد. با عنایت به این مسأله، در صورت دستیابی ایران به بمب اتمی ظرف ده سال آینده، کشورهای منطقه نیز تحت حمایت اتمی آمریکا قرار خواهند گرفت و این به معنی تثبیت حضور نظامی آمریکا تا آینده غیرقابل پیش‌بینی در مرزهای هم‌جوار ایران می‌باشد که چنین وضعیتی برخلاف امنیت ملی ایران است. در این بخش ابتدا با ارایه برخی از استدلال‌های ارایه شده توسط برخی از تحلیلگران غربی و آمریکایی مبنی بر اینکه هدف برنامه هسته‌ای ایران ساخت سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد، موضوع را آغاز کرده و در پی آن مهم‌ترین اهداف و انگیزه‌های واقعی ایران در این رابطه بیان خواهد گردید. تحلیلگران نظامی در غرب با استناد به نظریات نوواقع‌گرایان استدلال‌هایی به شرح ذیل در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارایه داده‌اند: با توجه به اینکه ایران با چالش‌های امنیتی فراوانی در اطراف مرزهای خود درگیر است و روابط نظامی آمریکا با تعداد زیادی از همسایگان ایران انکارناپذیر است، کسب سلاح‌های راهبردی جهت بازدارندگی امری ضروری است.^۴ دلیل دیگر از سوی آنها، احساس آسیب‌پذیری ایران و تهدید فزاینده به دلیل حضور نظامی آمریکا در عراق و افغانستان، در نزدیکی مرزهای ایران است. به علاوه ایران با پاکستان هم‌مرز است؛ کشوری که از سال ۱۹۹۸ به سلاح هسته‌ای دست یافته و این عوامل محرک مناسبی است که ایران در مسیر ساخت سلاح هسته‌ای گام بردارد.^۵ این تحلیلگران تاکید می‌کنند که با توجه به تهدیدات امنیتی نوظهور در منطقه خاورمیانه و سیاست آمریکا مبنی بر تغییر رژیم در ایران و اختصاص بودجه ۷۵ میلیون دلاری برای کمک به ارتقای مردم‌سالاری در ایران، طبیعی است که تهران به دنبال تضمین امنیتی باشد؛ چرا که در جهان سیاست بین‌المللی امروز، برنامه هسته‌ای تضمین‌کننده‌ترین سیاست به شمار می‌رود.^۶ جودیت یافه و چالرز لوتس نویسندگان کتاب ارزیابی مجدد پیامدهای یک ایران هسته‌ای مهم‌ترین دلایل تلاش ایران برای هسته‌ای شدن را این چنین ذکر می‌کنند:

۱. رویکرد خصمانه آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران؛

۲. تهدید بقای جمهوری اسلامی ایران؛

۳. احساس انزوای طلبی بین المللی ایران؛

۴. موقعیت برتر ژئوپلیتیکی ایران در منطقه؛

۵. تهدیدات عراق علیه ایران؛

۶. حمایت گسترده از هسته ای شدن در داخل کشور.^۷

نیاز به انرژی در سال های آتی بیش از پیش افزایش خواهد یافت. در حال حاضر، انرژی مورد نیاز جهان از چند ماده اصلی از جمله انرژی های فسیلی (نفت و گاز)، انرژی ذغال سنگ، انرژی حاصل از خورشید، انرژی حاصل از باد، انرژی حاصل از آب و انرژی هسته ای بدست می آید. ایران نیز با پی بردن به اهمیت بهره گیری از انرژی، جهت پیشرفت در زمینه های مختلف، که در ذیل به بعضی از آن موارد خواهیم پرداخت، عزم خود را برای بهره برداری از انرژی صلح آمیز هسته ای جزم کرده است:

۱. از آنجا که میزان جمعیت و مصرف انرژی رو به افزایش بوده و میزان استخراج نفت نیز با محدودیت هایی رو به رو است، جانشین سازی انرژی گاز و هسته ای به جای نفت، امری غیر قابل تردید است. در این ارتباط، پیش بینی می شود در آینده ای نه چندان دور ضمن اینکه هیچ نفتی برای صادر کردن نخواهیم داشت، حتی به جمع وارد کنندگان نفت خام دنیا نیز ملحق خواهیم شد.^۸ بنابراین، صرفه اقتصادی بر آن است که از ایجاد یک بحران اقتصادی در دهه های آتی جلوگیری کنیم.

۲. بهره گیری از انرژی هسته ای به جای انرژی فسیلی از بعد اجتماعی و زیست محیطی نیز دارای مزایای مهمی می باشد. نکته بسیار با اهمیت در این زمینه «مسأله آلودگی محیط زیست» است. برای زدودن آلودگیها حداقل هزینه ای که پیش بینی می شود، در حدود ۲۵ درصد کل هزینه تمام شده برق تولیدی می باشد. در صورتی که انرژی هسته ای این هزینه ها را نداشته و میزان زباله های اتمی حاصل از آن بسیار محدود و ناچیز است. جمهوری اسلامی ایران نیز برای جلوگیری از افزایش آلودگیهای زیست محیطی، خود را ملزم به اجرای برنامه های زیست محیطی و به خصوص قرارداد «کیوتو» می داند. بنابراین یکی از مهم ترین

راهبردها در این مقوله، بهره‌گیری از سوخت هسته‌ای به جای سوخت فسیلی است.

۳. یکی دیگر از انگیزه‌های بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای، توسعه فناوریانه می‌باشد. در عصر حاضر یکی از محورها و دلایل ایجاد تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، علم و دانش است. ملتی قادر خواهد بود در مسیر توسعه و تمدن‌سازی حرکت کند که از فناوریهای چهارگانه قرن حاضر (فناوری هسته‌ای، فناوری اطلاعات، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی) بهره‌برد و در این راستا فناوری هسته‌ای با بیش از ۴۰۰ شاخه و رشته علمی دیگر؛ از جمله کاربردهای صنعتی، کشاورزی، منابع آب، بهداشتی-پزشکی، و کاربردهای نظامی صلح‌آمیز در ارتباط بوده و می‌تواند تمامی بخشهای اقتصادی و علمی یک جامعه را تحت الشعاع قرار دهد.

۴. مجهز بودن به فنون و دانشهای گوناگون لازمه تقویت اقتدار ملی است و دارا بودن این فناوری خود به عنوان عامل بازدارنده در برابر همسایگان قدرتمندی همچون اسرائیل و سدی در مقابل انواع تهدیداتی که متوجه حاکمیت و تمامیت کشور است، امری ضروری می‌باشد.

تجزیه و تحلیل حقوقی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت

آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در بازرسیهای خود از تاسیسات هسته‌ای ایران بر قصور متعددی توسط ایران و عدم اطلاع‌رسانی به موقع از مواد هسته‌ای خود به آژانس اشاره نموده است. خصومت دیرینه آمریکا و کشورهای غربی با ایران به دلیل سیاست خارجی این کشور از یک طرف و قصور ایران در عدم اطلاع به موقع فعالیت‌هایش به آژانس از طرف دیگر، باعث شد تا آژانس نسبت به برنامه هسته‌ای ایران حساس شده و تا آنجا پیش رود که شورای حکام آژانس در قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۵ (Gov/2005/76) فعالیت‌های هسته‌ای ایران را ناقض تکالیف ایران بر اساس معاهده NPT قلمداد نموده و از این کشور بخواهد که غنی‌سازی اورانیوم را به صورت پایدار تعلیق نماید.^۹ به همین دلیل هم در قطعنامه‌های خود، خواهان تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و تصویب فوری پروتکل الحاقی توسط ایران

بوده است. اما این خواسته‌ها فراتر از تعهدات حقوقی ایران طبق مفاد موافقت‌نامه پادمان ایران با آژانس و سایر اسناد حقوقی مورد تعهد ایران است. آژانس در برخورد با ایران فراتر از وظایف سازمانی‌اش رفتار کرده است؛ به همین دلیل ایران نیز با تاکید بر صلح آمیز بودن فعالیت خود و حق قانونی برخوردار بودن از فعالیت صلح آمیز هسته‌ای، از اجرای قطعنامه‌های شورای حکام خودداری نموده است. این عکس‌العمل ایران سبب تردید بیشتر نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای و ارسال پرونده ایران به شورای امنیت گردید. در این بخش برآنیم با موشکافی دقیق مقوله‌های مرتبط، به بررسی حقوقی ارجاع پرونده فعالیت‌های صلح آمیز ایران به شورای امنیت بپردازیم.

قطعنامه‌های شورای حکام آژانس علیه ایران

از سپتامبر ۲۰۰۳ برنامه‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت جدی آژانس قرار گرفت. به طور کلی، آژانس معتقد است که براساس اساسنامه معاهده N.P.T و توافق پارلمانی، ایران باید تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را اعم از صلح آمیز یا غیر صلح آمیز، از جمله امور مربوط به غنی‌سازی اورانیوم حتی اگر فقط به قصد اهداف صلح آمیز باشد، به آژانس گزارش کند. در این ارتباط، آژانس معتقد است که چون ایران به موقع اطلاعات مربوطه را گزارش نداده، تخلف نموده است و این امر سبب سوء ظن به این کشور شده که به طور پنهانی درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌باشد. به همین دلیل، شورای حکام آژانس قطعنامه‌هایی را در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳، ۱۳ مارس ۲۰۰۴، ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴، ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴، ۱۱ اوت ۲۰۰۵، اوت ۲۰۰۵، ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵، ۴ فوریه ۲۰۰۶ و ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ درباره ایران تصویب نمود. در تمام قطعنامه‌های ۴ سال گذشته، به خصوص قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵، آژانس با ابراز نگرانی از برنامه سانتریفیوژهای p2 که ایران در گزارش خود به آژانس آنها را ذکر نکرده بود و اظهار تاسف از مسایل مربوط به آلودگی، فعالیت غنی‌سازی اورانیوم و عدم ارایه اظهارنامه کامل ایران، این کشور را متهم به عدم متابعت از مفاد موافقت‌نامه پادمان، و نه مفاد N.P.T که دولت آمریکا بر

آن تاکید دارد، نموده است و با اشاره بر اهمیت پایبندی ایران به معیارهای پروتکل الحاقی، از این کشور می‌خواهد که بدون تاخیر پروتکل الحاقی را به تصویب رسانده و به عنوان یک اقدام اطمینان‌ساز در تصمیم‌های خود جهت فعال نمودن تأسیسات یو.سی.اف اصفهان (تأسیسات تبدیل اورانیوم) و آغاز رآکتور تحقیقاتی آب سنگین تجدیدنظر نماید. همچنین در قطعنامه‌های فوق‌الذکر، به ویژه قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ توقف کامل فعالیتهای مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم از ایران خواسته شده بود و به ایران هشدار داده شد که نادیده گرفتن قطعنامه‌های مذکور در خصوص تعلیق فعالیتهای مربوطه به معنای پایان مذاکرات تلقی خواهد گردید و راهی جز ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت باقی نخواهد ماند که عدم توجه ایران به خواسته آژانس باعث شد. محمد البرادعی، مدیر کل آژانس، در ۸ دسامبر ۲۰۰۶ به رغم فقدان هرگونه تصمیم‌گیری صریح و تصویب قطعنامه‌ای که دلیل ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را نشان دهد، گزارش خود را جهت اقدام به شورای امنیت ارسال نماید.^{۱۰} قطعنامه جدید شورای حکام در حالی علیه ایران صادر شد که با واکنش ایران مبنی بر کلهش همکاری با آژانس البته در کنار ادامه عضویت در این نهاد بین‌المللی همراه شد. اعضای شورای حکام روز جمعه، ۲۷ نوامبر (۶ آذرماه) ۲۰۰۹ میلادی، قطعنامه پیشنهادی محکومیت ایران به خاطر فعالیت مرکز غنی‌سازی اورانیوم فردو نزدیک قم را با اکثریت آرا تصویب کردند و از ایران خواستند ساخت و ساز در این طرح را فوراً متوقف کند. در مورد فردو ایران علاوه بر اعلام پیش از موعد اطلاعات مربوط به این سایت براساس کد الحاقی ۳/۱ مطابق با موافقت‌نامه پادمان و نه پروتکل الحاقی و همچنین اجازه بازرسی از تأسیسات فردو، حسن نیت خود را نشان داد. ایران حتی برای تأمین سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران نیز آمادگی خود را برای خرید سوخت ۱۹/۷۵ درصد و مبادله آن با اورانیوم ۳/۵ درصد داخل خاک ایران اعلام داشت. حال با چنین برخوردی آن‌هم در شرایطی که البرادعی در ۲۱ گزارش خود به صراحت اعلام داشته فعالیت هسته‌ای دچار انحراف نشده است، چگونه می‌توان به کارکرد تخصصی و نه سیاسی آژانس اطمینان و اعتماد داشت؟ هرچند قطعنامه شورای حکام با ۲۵ رأی تصویب شد، اما اکثر اعضای جامعه بین‌المللی و افکار عمومی جهان

بیش از هر زمانی دریافتند که سیاست مبتنی بر قدرت همچنان تعیین کننده معادلات جهانی است. در رابطه با دامنه اعتبار تصمیمهای شورای حکام باید گفت: «اگر بتوان پذیرفت که دولتها حق دارند به تصمیمهای شورا که خلاف منشور است، اعتراض نمایند»،^{۱۱} به طریق اولی چنین اقدامی از سوی دولتها در برابر تصمیمهای شورای حکام که مخالف حقوق بین الملل و از جمله اساسنامه آژانس و معاهده عدم گسترش است، مسلم خواهد بود. براین اساس اعتراضات پیاپی ایران به قطعنامه های شورای حکام، فاقد وجاهت نخواهد بود.

تحلیل ایرادات آژانس بین المللی انرژی اتمی در رابطه با فعالیتهای هسته ای ایران

یکی از مسایلی که به طور دایم در گزارشها و تحلیلهای منابع غربی از آن یاد می شود، قصور ایران در گزارش به موقع فعالیتهای صلح آمیز هسته ای و پنهان کاری تحقیقات علمی بود که البته از نظر قوانین آژانس و پادمانهای نظارتی به عنوان انحراف و عدم پایبندی قلمداد نمی شود، قانونمند نبودن تعریف پایبندی و نحوه احراز آن در قالب آژانس، به هر دولت فرصت داده تا آن گونه که منافع ملی شان اقتضا می کند^{۱۲} حتی با به کارگیری روشهای جاسوسی، پایبندی دولتهایی را که در موقعیت پشتیبانی گسترده بین المللی نیستند، در معرض تردید قرار دهند. جمهوری اسلامی ایران ضمن نامه ای به آژانس دلایل عدم ارایه گزارش به موقع فعالیتهای صلح آمیز خود و قصورهای یاد شده را اینچنین بیان نمود: «... در حالی که نقض همه جانبه و منظم حقوق ایران تحت معاهده عدم اشاعه N.P.T ادامه داشت و در حالی که دول عضو معاهده در عدم پایبندی خود نسبت به بسیاری از تعهداتشان تحت مواد یک، چهار و شش معاهده به طور کلی و تحت بند ۲ ماده چهار در قبال ایران اصرار ورزیده اند، ایران بر اهتمام خود در پایبندی به کلیه تعهداتش تحت معاهده ادامه داده است. به منظور جلوگیری از محدودیتهای غیرقانونی و غیرمشروع بیشتر در اعمال حقوق خود، ایران مجبور شد در مورد فعالیتهای قانونی اش پوشیده عمل کند و از ارایه جزییات برنامه هایش خودداری می ورزد که البته در اکثر موارد، حتی بر طبق توافق نامه پادمانهایش با آژانس ملزم به ارایه آنها نبوده است».^{۱۳} جمهوری اسلامی ایران همچنین در بیانیه خود در ۱۳۸۴/۱۲/۱۷ در پاسخ به

گزارش البرادعی این گونه توضیح داده است: درمورد عبارت پنهان کاری و تخلف باید گفته شود که نهایت چیزی که اتفاق افتاده، این است که ایران نتوانسته به موقع مسایلی را که ثابت شده اند به فعالیتهای ممنوع ربط نداشته اند، گزارش دهد. بنابراین، جمله "این امر باعث تخلف از قوانین و عدم پایبندی به توافق شد" در پاراگراف ۴۶ غیرقابل توجیه است. آژانس راستی آزمایی از اطلاعات طراحی (DIQ) تاسیسات UCF اصفهان را در سال ۲۰۰۰ از سوی ایران دریافت کرد. یعنی تقریباً ۴ سال قبل از اینکه ایران طبق قوانین پادمان آژانس ملزم به اطلاع دادن آنها شود. پس مفهوم فعالیتهای اعلام نشده مثل تاسیسات UCF یا پنهان کاری غلط است. عدم گزارش فعالیتهایی مثل احداث تاسیسات هسته ای که ایران ملزم شد آژانس را از وجود آنها مطلع کند، (با تحویل DIQ) تحت توافق پادمان آژانس تنها ۸۰ روز قبل از اینکه مواد هسته ای مورد نظر برای این تاسیسات دریافت گردد، به هیچ وجه پنهان کاری نیست. لازم به یادآوری است که آژانس از نظر حقوقی در موقعیتی قرار ندارد که نیت کشورهای عضو را بخواند. بنابراین استفاده از عبارت پنهان کاری بی مورد است. ایرادات آژانس بیشتر در بخش تحقیقات است که تصویب کرده باشند. یکی دیگر از ایرادات به ظاهر قانونی آژانس که از مهم ترین بهانه های غرب و آمریکا می باشد، به پیدا شدن آلودگیهای سطح بالای غنی سازی در تاسیسات کشورمان مربوط می باشد. در قوانین آژانس، غنی سازی زیر ۲۰ درصد ایزوتوپ های اورانیوم ۲۳۵ را سطح پایین (LEU) و بالای ۲۰ درصد غنی سازی را سطح بالا (HEU) می نامند. آژانس به دنبال بازرسیهای خود از تاسیسات ایران، اقدام به صدور گزارشهایی در رابطه با فعالیتهای هسته ای ایران کرد که یکی از مهم ترین مسایل، آلودگی ۳۶ درصدی تعدادی از ماشینهای سانتریفیوژ بود که از نوع آلودگی سطح بالا محسوب می گردد، اما گزارشهای بازرسان نشان داد که کشف ذرات اورانیوم با خلوص بالا به خاطر آلوده بودن تجهیزات خریداری شده توسط ایران بوده است و ادعای ایران در رابطه با عدم دستیابی به چنین اورانیومی صحت دارد.^{۱۴} این پاسخ مستند، در نهایت مورد تایید بازرسان آژانس قرار گرفت و البرداعی در گزارش سپتامبر ۲۰۰۵ در بند ۴۵ اینچنین می آورد: «براساس اطلاعاتی که اخیراً آژانس به آنها دست یافته است، نتایج تجزیه و تحلیل نمونه های محیطی، با در نظر

گرفتن همه جوانب، اظهارنامه ایران درباره منشأ خارجی آلودگی سطح بالای (HEU) مشاهده شده تایید می شود.^{۱۵} احداث مجتمع آب سنگین اراک از دیگر مواردی است که نشانه سوءنیت ایران در فعالیتهای هسته ای تلقی شده است. هرچند امکان انحراف در پروژه آب سنگین وجود دارد، ولی نخست اینکه ایران با انعقاد توافق نامه ای با آژانس چگونگی بازدید مستمر آژانس از این مجتمع را مشخص کرده است؛ دوم اینکه در هیچ سند هسته ای تأسیس چنین مجتمعی ممنوع یا با قید و شرط بیان نشده است؛ و سوم اینکه پروژه آب سنگین کاربردهای مختلفی دارد. از جمله در پژوهش های علمی در حوزه های مختلف همانند زیست شناسی، پزشکی، فیزیک و... کاربردهای بسیاری دارد. برخی از کاربردهای آن عبارتند از: طیف سنجی تشدید مغناطیسی هسته ای، کند کننده نوترون، آشکارسازی نوترینو، آزمون های سوخت و ساز در بدن، تولید تریتم. بنابراین، نباید فقط از روی احتمال انحراف از استفاده صلح آمیز، نقش تعیین کننده پروژه تولید آب سنگین اراک به عنوان یکی از شاخص های دانش هسته ای در پزشکی و به خصوص، کنترل سرطان و کنترل بیماری ایدز نادیده گرفته شود؛ در حالی که کشورهای آرژانتین، کانادا، هند و نروژ بزرگترین صادر کنندگان آب سنگین جهان هستند.^{۱۶}

قطعنامه های ضد ایرانی شورای امنیت در موضوع هسته ای ایران

بعد از ارجاع موضوع هسته ای ایران به شورای امنیت، این شورا به اتفاق آراء بیانیه ای غیر الزام آور را تصویب کرد که از ایران می خواست فعالیت غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد و از آژانس نیز درخواست کرد ظرف مدت ۳۰ روز در مورد همکاری ایران با درخواستهای آژانس گزارش بدهد. پس از تصویب قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت درباره برنامه هسته ای ایران در نهم مرداد ۸۵ و به دنبال پایان ضرب الاجل یک ماهه تعیین شده در این قطعنامه، به رغم تاخیر در تصویب قطعنامه دوم علیه ایران، آمریکا توانست سایر اعضای ۵+۱ را متقاعد سازد که مذاکرات بین سولانا با طرف ایرانی نمی تواند خواست آنها را که همانا تعلیق غنی سازی و فعالیتهای مرتبط با آن در ایران است، تامین نماید. از این رو براساس راهبرد برخورد

پلکانی، پا بر روی پلکان بالاتر یعنی تحریم ایران گذاشت و در این چارچوب بود که تروئیکای اروپا، پیش نویس قطعنامه دوم را در دستور کار شورای امنیت قرار دادند. قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت بر طبق مفاد بند ۴۰ فصل هفتم منشور اتخاذ شد، اما صدور قطعنامه های بعدی براساس بند ۴۱ این فصل صورت گرفت. عدم قبول و اجرای مفاد قطعنامه ۱۶۹۶، در نهایت منجر به تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ به اتفاق آرا شد. پیش نویس این قطعنامه در چارچوب مقررات فصل هفتم منشور و با استناد به ماده ۴۱ در بند یک اجرایی است که از این زاویه علاوه بر دارا بودن ویژگی الزام اجرایی برای اعضای سازمان ملل، دربرگیرنده تحریمهای محدود علیه صنایع هسته ای و موشکی ایران است. بر اساس بندهای ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۹، ۱۷^(۱) اجرایی، پیش نویس این قطعنامه علاوه بر جلوگیری از تهیه، فروش و انتقال مستقیم و غیرمستقیم کالاها و تجهیزاتی که به فعالیت های مرتبط با غنی سازی، بازفرآوری، یا آب سنگین و یا توسعه سیستم های پرتاب سلاح هسته ای کمک خواهد کرد، ارایه هرگونه کمک مالی و آموزشی^(۱) در حیطه تحریم قطعنامه است. این قطعنامه در بند ۲۱ تصریح می کند شورا آماده خواهد بود تا در صورت مناسب بودن اقدامات ایران، در این قطعنامه تجدیدنظر کند؛ از جمله به تعلیق درآمدن تحریم در صورت همراهی ایران. همچنین در بند ۲۲ یک بار دیگر تصریح می کند که در صورت همراهی نکردن ایران، شورا اقدامات مناسب دیگری را در چارچوب ماده ۴۱ منشور در دستور کار قرار خواهد داد. شورای امنیت در قطعنامه ۱۷۳۷ پیشنهاد آلمان، انگلیس و فرانسه را به اتفاق آرا به تصویب رسانید و به آژانس ۶۰ روز مهلت داد تا گزارش دهد که آیا ایران تمامی فعالیتهای مربوط به غنی سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه و همچنین پروژه های مرتبط با آب سنگین را به گونه ای که مورد راستی آزمایی آژانس قرار گیرد به حال تعلیق درآورده است یا خیر؟ به دنبال بی اعتنایی ایران به ضرب الاجل ۶۰ روزه این قطعنامه، گروه ۱+۵ سه هفته برای تدوین و توافق بر متن قطعنامه سوم وقت صرف کرد. قطعنامه ۱۷۴۷ که توسط انگلیس، فرانسه و آلمان تهیه و با اجماع تصویب شد، تحریمهای اعمال شده علیه

(۱) آموزش اتباع ایران در مورد رشته هایی که به فعالیت های حساس و توسعه سیستم های پرتاب سلاح هسته ای ایران کمک می کند.

ایران در ماه دسامبر را افزایش می دهد. در این قطعنامه همه صادرات تسلیحاتی ایران تحریم شده و داراییهای ۲۸ مقام و نهاد دیگر که گفته می شود مرتبط با برنامه های هسته ای و موشک بالستیک هستند، مسدود اعلام شد. شورای امنیت در این قطعنامه به دولت ایران ۶۰ روز مهلت داده است تا برنامه هسته ای خود را با درخواستهای آژانس مطابقت داده و مذاکرات تازه ای به منظور دستیابی به راه حلی قابل قبول برای همه طرفین را آغاز کند. به رغم اینکه مدت زمان زیادی از صدور قطعنامه ۱۷۴۷ نگذشته بود، قطعنامه ۱۸۰۳ در حالی تحت فشارهای غرب صادر شد که ایران طبق طرح مدالیت به کلیه ابهامات آژانس پاسخ داد. این قطعنامه شامل سه پیوست است که در آن نام ۱۳ شرکت و ۱۳ مدیر تاسیسات هسته ای ایران به فهرست تحریمها اضافه شده اند. مفاد قطعنامه تصویب شده به این شرح است: تحریم کلی مقامات مسئول در برنامه های موشکی و هسته ای ایران برای مسافرتها خارجی و بازرسی از محموله های صادراتی و وارداتی این کشور در صورتی که به کالاهای ممنوع ظن و گمان وجود داشته باشد؛ درخواست از کشورها برای هوشیاری در ورود به تعهدات جدید برای حمایت مالی عمومی در زمینه تجارت با ایران از جمله اعطای وامهای صادراتی و تضمین یا بیمه نامه برای ایرانیانی که در این تجارت مشکوک دخالت دارند؛ درخواست از کشورها برای هوشیاری درباره فعالیتهای موسسات مالی در قلمرو آنها با تمامی بانکهای مستقر در ایران به ویژه بانک ملی، بانک صادرات و شعبه ها و شرکتهای تابعه آنها در خارج از این کشور.

سه دور از قطعنامه های شورای امنیت یعنی قطعنامه های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ دارای جنبه های تحریمی و تنبیهی بوده و قطعنامه های اول و آخر؛ یعنی قطعنامه های ۱۶۹۶ و ۱۸۳۵، دارای جنبه های هشدار. قطعنامه ۱۸۳۵ در حالی در گروه قطعنامه های شورای امنیت علیه فعالیتهای هسته ای صلح آمیز ایران قرار می گیرد که از آن بیشتر به عنوان یک بیانیه یاد می شود که ناتوانی غرب در تشدید تحریم ایران را نشان می دهد. شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۳۵ خود ضمن اشاره به گزارش البرادعی، که از عدم تعلیق غنی سازی اورانیوم ایران سخن گفته بود، از ایران خواست تا بدون تاخیر به قطعنامه های پیشین این شورا و نیز درخواستهای شورای حکام در تعلیق برنامه هسته ای خود عمل کند. شورای امنیت ضمن

تاکید مجدد بر قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ که همگی آنها تحت فصل هفتم منشور صادر شده‌اند، در قطعنامه جدید خود اشاره‌ای به تحریم‌های جدید علیه ایران نکرده و در این قطعنامه حمایت خود را از رویکرد دوسویه در قبال ایران و نیز بسته مشوق‌های پیشنهادی به ایران اعلام کرده است. شورا در این قطعنامه از ایران خواسته است که در خصوص تحقیقات درمورد مطالعات ادعایی با آژانس همکاری کند. طبق گفته ویتالی چورکین، سفیر روسیه در سازمان ملل، قطعنامه ۱۸۳۵ این مسأله را به روشنی بیان می‌کند که نیروی نظامی راه حل مسأله هسته‌ای ایران نیست.

بررسی جایگاه حقوقی دخالت و تصمیمات شورای امنیت در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران

صرف نظر از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، این سوال مطرح است که شورای امنیت به عنوان رکن اولیه مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به هنگام تصمیم‌گیری در ارتباط با موضوع هسته‌ای ایران از چه اختیاراتی برخوردار می‌باشد؟ آیا شورا به هنگام ایفای وظیفه حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی موظف است که حقوق بین‌الملل را به طور کامل رعایت نماید؟ یا برعکس آنچه شورا بگوید، خود حقوق به شمار خواهد آمد؟^{۱۸} گرچه گستره صلاحیت شورا در تعقیب صلح و امنیت بین‌المللی مانع از آن است که بتوان چارچوبی دقیق برای حیطه‌بندی عملکرد شورا برشمرد، انتظار می‌رود این نهاد همانند کلیه بازیگران بین‌المللی، قواعد حاکم بر زیست جمعی در جامعه بین‌المللی (حداقل اصول و اهداف ملل متحد) را محترم بشمارد.^{۱۹} براساس ماده ۴۱ شورا می‌تواند تحریم‌هایی از جمله تحریم‌های اقتصادی و حتی تسلیحاتی درموارد تهدید علیه صلح و نیز تجاوز اعمال نماید، همچنان که تحریم‌های تسلیحاتی عراق در کنار نظام بازرسی و تایید تسلیحات کشتار جمعی و موشکی برای این کشور از بارزترین مصادیق اعمال این ماده می‌باشد.^{۲۰} چنانچه اساسنامه یک سازمان محدودیتهایی را نسبت به سازمانی اعمال ننماید، سازمان اختیار دارد که وظایف خود را به طور کامل انجام دهد.^{۲۱} در هیچ جایی نه در متن و نه

روح منشور از شورای امنیت به عنوان رکنی که حقوق آن را محدود نکرده باشد، یادی نشده است.^{۲۲} تاریخچه تدوین منشور نیز نشان می دهد محدودیتهای مشخصی در ارتباط با اختیارات شورای امنیت وجود داشته است؛ از جمله محدودیتهای شورای امنیت رعایت اصول عدالت و حقوق بین الملل در حین اقدامات دسته جمعی و عملیات حفظ صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر اعمال ناقض صلح می باشد (بند ۱ ماده ۱ منشور). همچنین شورای امنیت موظف است در چارچوب اهداف و اصول سازمان فعالیت کند (ماده ۲۵ منشور). ویژگی سیاسی یک رکن نمی تواند مانع از رعایت مقررات معاهده ای گردد و شورای امنیت باید به طور حتم مقررات منشور به ویژه موارد مندرج در فصول پنجم تا هفتم را رعایت نماید.^{۲۳}

باتوجه به همکاری ایران با آژانس و وجود اصولی چون حل و فصل مسالمت آمیز اختلافها و اصل عدم توسل به زور، آیا استفاده از وسایل قهرآمیز در پرونده ایران و ارجاع آن به شورای امنیت با این عنوان که برنامه هسته ای آن تهدیدی علیه صلح بین المللی است از نظر حقوق بین الملل قابل قبول است؟ آنچه مشخص است اینکه اصل تناسب جرم و مجازات در ارتباط با پرونده هسته ای ایران نادیده گرفته شده است. طبق معاهده N.P.T، نقض تعهدات یک کشور برابر است با قطع کمکهای آژانس و کشورهای عضو و همان طوری که در ذیل خواهد آمد، ایران متهم به برخی قصور گردیده بود و به لحاظ حقوقی قصور عملی متفاوت از نقض است و به تبع آن جرمش هم متفاوت خواهد بود و ارجاع پرونده کشورها به شورای امنیت در صورتی است که کشوری مرتکب نقض صلح و امنیت بین المللی گردد. باوجود اینکه در بازرسیهای آژانس - از سال ۲۰۰۷ تاکنون ۳۱ بازرسی سرزده و بیش از ۴۵۰۰ نفر روز بازرسی عادی - مدرک محکمه پسندی برای اتهام ایران در زمینه انحراف از N.P.T و دستیابی به تسلیحات هسته ای یافت نشده است، ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت عملاً نقض اصل برائت می باشد. طبق قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ مجمع عمومی، اصل حق توسعه، جزیی از حقوق بشر محسوب می شود و ضامن آزادی و پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسانهاست و بر بهره مندی تمامی انسانها اعم از زن و مرد و تمامی ملل در یک سهم عادلانه و متناسب از فناوری، اموال و خدمات تولیدی جامعه جهانی اشاره دارد.^{۲۴} پاراگراف ۶ دومین کنفرانس

جهانی حقوق بشر، حق توسعه را به عنوان یک حق جهانی، غیرقابل انتقال و لاینفک از حقوق بنیادین بشر دانسته است.^{۲۵}

همچنین طبق مفاد معاهده N.P.T به خصوص ماده ۴ آن، ایران حق توسعه، تحقیق، تولید و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را دارد. تلاش شورای امنیت در جهت وادار کردن ایران به تعلیق برنامه هسته ای صلح آمیز خود، نقض فاحش ماده ۴ معاهده N.P.T و ماده ۲۵ منشور بوده و حقوق بنیادین مردم ایران از جمله حق توسعه و حق تحصیل را از آنها سلب می کند. علاوه بر موارد مذکور، ارجاع موضوع فعالیتهای هسته ای ایران به شورای امنیت برخلاف نص صریح بند ج ماده ۱۲ اساسنامه آژانس صورت پذیرفته و استناد شورای امنیت به مواد ۳۹، ۴۰ و ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل برای تحریم ایران نه فقط با روح قانون، بلکه با مفاد اصل هفتم نیز در تناقض است؛ زیرا استناد به فصل هفتم منشور فقط هنگامی است که اقدام یک کشور عضو جامعه بین المللی، صلح جهانی یا منطقه ای را به خطر انداخته باشد و پرونده هسته ای ایران فقط هنگامی می تواند موضوع این فصل باشد که نخست اینکه، ثابت شود ایران در پی تولید سلاح اتمی است و نه اینکه حدس زده شود ایران نیت این کار را دارد؛ اینکه تنها به دلیل قصد و نیت یک کشور خواهان توقف فعالیت آن شوند از منظر حقوقی قابل قبول نیست؛ چون در حقوق بین الملل ملاک سنجش نیت دولتها، اعمال و افعال آنها و نه منویات بدون مدلول است؛^{۲۶} دوم اینکه، با سلاح هسته ای خود کشورهای دیگر را تهدید به حمله اتمی کرده باشد. حال آنکه مطابق گزارشهای بازرسان آژانس هیچ نشانه ای حاکی از تلاش ایران برای انحراف از فعالیت صلح آمیز به سوی تولید سلاح هسته ای به دست نیامده است و اعلام نظر شورای حکام آژانس تنها با استناد به گزارش بازرسان معتبر خواهد بود و همچنین تصمیم شورای امنیت باید مستند به گزارش شورای حکام باشد و از آنجا که در گزارش بازرسان و گزارش سوم اسفند ماه ۸۶ مدیر کل آژانس هیچ اشاره ای به انحراف در فعالیت هسته ای ایران وجود ندارد، ارسال پرونده به شورای امنیت و استناد این شورا به فصل هفتم از وجاهت حقوقی و قانونی برخوردار نیست.

آپارتاید هسته‌ای رویه‌ای مشهود در برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران

زیاده‌خواهی برخی از دولتهای غربی و برخورد یک‌جانبه آنها با مقوله خلع سلاح و کنترل تسلیحات، سبب شده است که این فرایند به ابزاری برای تامین منافع انحصاری غرب مبدل شود و کشورهای ضعیف در این حوزه صرفاً به عنوان سوژه یعنی موضوعات یا اشخاصی که قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل برای آنها وضع می‌شود، تلقی گردند و نه واضعان حقیقی.^{۲۷} بر اساس مقدمه معاهده N.P.T و ماده یک، کشورهای دارای سلاحهای هسته‌ای حق ندارند هیچ‌یک از دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای را به هیچ طریقی در ساختن یا کسب سلاحهای هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای و کنترل بر آنها کمک، تشویق و ترغیب نمایند. اما متأسفانه برخورد کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه، انگلیس و آمریکا با رژیم صهیونیستی در مورد دستیابی این کشور به سلاحهای هسته‌ای برخوردی نرم و ترغیبی بوده است و امروزه اسرائیل حدود ۲۰۰ کلاهک اتمی در اختیار دارد. عکس‌العمل کشورهای غربی حتی پس از فروپاشی نظام دوقطبی در برابر برنامه‌های هسته‌ای ایران، پاکستان، هند و اسرائیل تبعیض‌آمیز است. درحالی که ایران N.P.T را در سال ۱۹۶۸ تصویب کرده ولی سه کشور دیگر حتی آن را امضا هم نکرده‌اند. با وجود این، ایالات متحده قراردادی را در زمینه توسعه برنامه‌های هسته‌ای در دوم مارس ۲۰۰۶ در سفر جورج بوش به هند امضا کرده است که در برابر زرادخانه‌های هسته‌ای اسرائیل بی‌تفاوت هستند، درحالی که حقوق بین‌الملل بر اصل عدالت و تساوی قوانین برای تمام کشورها بنا شده است. ازسوی دیگر، آژانس طی سند بسیار مهمی وضعیت کشورهای دنیا درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای را ارایه داده است که حاکی از اقرار این مرکز بین‌المللی درخصوص فعالیت‌های غیرقانونی کشورهای اروپایی و آمریکا می‌باشد. این سند بسیار مهم که به شماره Gov/2006/31AD.1 به تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ در مرکز وین ثبت و صادر شده، کشورهای عضو N.P.T را به ۵ گروه تقسیم نموده است. این تقسیم‌بندی با توجه به میزان اطمینان آژانس نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای عضو صورت پذیرفته است:^{۲۸}

۱. گروه اول شامل ۲۴ کشور است که آژانس فقط درباره این کشورها می‌تواند بگوید:

هیچ نشانه‌ای از مواد و فعالیت‌های اظهار نشده وجود ندارد.» هیچ یک از سه کشور اروپایی انگلیس، آلمان و فرانسه و نیز آمریکا در این دسته قرار ندارند.

۲. گروه دوم ۴۶ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شود که ضمن اجرای پروتکل الحاقی توسط آنها، آژانس هیچ گونه نشانه‌ای دال بر انحراف در فعالیت‌های آنها مشاهده نکرده است. اما اعلام اینکه «مواد و فعالیت اظهار نشده ندارند» زمان بر است. در حالی که وضعیت اتحادیه اروپا و متحدانشان شبیه به وضعیت ایران است، عدم درخواست آژانس مبنی بر تعلیق فعالیت‌های موارد مذکور حاکی از سیاست اعمال تبعیض مشهود این سازمان می‌باشد.

۳. در گروه سوم کشورهایی قرار گرفته‌اند که ضمن اینکه خود از اجرای پروتکل الحاقی طفره می‌روند، بر اجرای بی‌قید و شرط ایران اصرار می‌ورزند که در این طبقه بندی ۷۷ کشور قرار گرفته‌اند.

۴. در دسته چهارم ۳۶ کشور از جمله کشورهای آفریقایی و بعضی کشورهای عربی مثل قطر قرار دارند که این کشورها حتی پادمان را نیز اجرا نمی‌کنند.

۵. دسته دیگر از جمله انگلیس، فرانسه، آمریکا، اسرائیل و هند هستند که اینها نیز شامل موارد فوق یعنی پایبندی به N.P.T، پادمان و پروتکل نمی‌شوند و آژانس نمی‌تواند حتی آن نتیجه‌گیری که در مورد دسته دوم دارد را درباره آنها به عمل آورد.

با توجه به محتوای تقسیم بندی به عمل آمده، باید پرسید که چرا آژانس به وضعیت ۴۵ کشور دیگر در گروه دوم که وضعیتی همانند ایران دارند، رسیدگی نمی‌کند و هیچ پرونده‌ای برای آنها مطرح نمی‌شود؟ تخلف‌های موجود در معاهده N.P.T، پادمانها و اساسنامه آژانس، که هریک تنبیه و مجازات‌های جداگانهای دارند، به شرح ذیل می‌باشند:^{۲۹}

الف. قصور:^(۱) که اصلی‌ترین مصداق آن «کوتاهی درارایه گزارش» است و در اسناد حقوقی آژانس آمده است؛

ب. نقض یا تقصیر:^(۲) که تخلف از قوانین و ضوابط جاری آژانس و نقض آن است؛

ج. عدم پایبندی:^(۳) که عدم پایبندی به مفاد N.P.T و یا پادمان‌های مربوطه است.

سنگین ترین جرم بر اساس مفاد N.P.T، پادمانها و اساسنامه، عدم پایبندی می باشد.

تخلف نسبت داده شده به ایران در قطعنامه های آژانس از نوع قصور و تقصیر اعلام شد، اما میزان قصور ایران آنقدر زیاد نبود که باعث ارجاع پرونده هسته ای این کشور به شورای امنیت شود. این در حالی است که شواهدی دال بر قصور سایر کشورهای عضو N.P.T نظیر کره جنوبی، تایوان و مصر وجود دارد، اما آژانس چندان اهمیتی به موارد مذکور نداده است. کره جنوبی حتی از پذیرش درخواست آژانس در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ جهت کسب اجازه بازرسی از تاسیسات غنی سازی امتناع ورزید و بعدها در گزارش آژانس درباره کره جنوبی مشخص گردید که غنی سازی این کشور تا میزان ۷۷ درصد بوده است. در حالی که غنی سازی تا حداکثر غلظت ۶ درصد مصارف صلح آمیز دارد و از غلظت ۷۵ درصد به بالا برای مصارف نظامی است. با این اوصاف کشورهای دیگری نیز وجود دارند که راه را به خطا رفته اند اما به مانند ایران در معرض تهدید و تحریم جدی واقع نشده اند که همین امر نوعی تبعیض و آپارتاید هسته ای و برخورد سیاسی با پرونده ایران را خاطرنشان می سازد.^{۳۰} اجبار ایران به تصویب فوری و بی قید و شرط پروتکل الحاقی از سوی شورای حکام در حالی که در حدود ۸۰ کشور دیگر نیز این پروتکل را پذیرفته اند اما برای آنها اجباری در پذیرش و تصویب آن در کار نبوده است، از یک سو تبعیض است و از سوی دیگر مخالف ماده ۵۲ عهدنامه ۱۹۶۹ وین که حاکی از اصل رضایت دولتها در پذیرش معاهدات می باشد و طبق آن هیچ کشوری را نمی توان مجبور به عضویت در یک معاهده کرد.^{۳۱}

نتیجه گیری

انرژی هسته ای کاربردهای متعدد و مفیدی دارد. به غیر از کاربرد نظامی و خشونت آمیز آن که در جهت تولید جنگ افزارهای هسته ای به کار گرفته می شود، کاربرد

-
1. Failure
 2. Breach
 3. Non Compliance

صلح آمیز آن که در صنایع مختلف به ویژه تولید برق، پزشکی و کشاورزی از قابلیت بالایی برخوردار است. چندین دهه است که مورد استفاده کشورهای صنعتی قرار می گیرد و اساساً داشتن فناوری هسته ای یکی از شاخصهای توسعه یافتگی محسوب می شود. ایران اسلامی نیز با نهضت نرم افزاری و تولید علم موفق گردید فناوری هسته ای را به صورت بومی و ملی به دست آورد، از این رو فتنه ها و بحرانها و پرونده سازی علیه ایران از سوی استکبار جهانی آغاز گردید. کشورهای غربی ابتدا آژانس، به ویژه مدیر کل این نهاد را مجبور به ارایه گزارشهای دوپهلوی و غیر واقعی کردند و در ادامه با فشار بر آژانس، زمینه ارجاع موضوع هسته ای ایران را به شورای امنیت فراهم نمودند و به دنبال ارجاع موضوع هسته ای ایران به شورای امنیت، این شورا در یک حرکت غیرموجه به گردانندگی تعداد معدودی از اعضای دایمی خود، اقدام به صدور قطعنامه های تحریمی علیه ایران در موضوع هسته ای نموده است. در برخورد با پرونده هسته ای ایران و اعمال تحریمها، نگاهی تبعیض آمیز و سیاسی بر ماهیت قواعد بین المللی چیره گشته و برخی اصول حقوقی مورد قبول تمامی تمدنهای حقوقی دنیا از جمله اصل تناسب جرم و مجازات، اصل برائت و اصل حق توسعه نادیده انگاشته شده است. با اندکی تامل در حقوق بنیادین ملتها می توان گفت حق دسترسی ملت ایران به فناوری صلح جویانه هسته ای از مصادیق بارز «حق ملتها نسبت به منابع طبیعی» و «حق تعیین سرنوشت ملتها» می باشد. این دسته از حقوق در زمره حقوق بنیادین بوده و هرگونه نقض آنها موجبات مسئولیت بین المللی در قبال ملت زیان دیده و جامعه بین المللی را به طور کلی فراهم می سازد. حق ملتها نسبت به بهره مندی از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز به صراحت در N.P.T به رسمیت شناخته شده است و هرگونه اقدام دولتها و نهادهای بین المللی در جهت تحدید این حقوق، مغایر با اصول اساسی بین المللی از جمله منع دخالت در امور داخلی ملتها به شمار می آید. شایان ذکر است که در سند نهایی ششمین کنفرانس بازنگری کشورهای عضو N.P.T، تمامی کشورها با اجماع پذیرفته اند که «تصمیمات و سیاستهای متخذه از سوی کشورها برای چرخه سوخت هسته ای می بایست مورد احترام قرار گیرد.» به طور مسلم همان گونه که دیوان بین المللی دادگستری در رای مشورتی سال ۱۳۷۱ خود مقرر داشت،

دول عضو تنها در صورتی موظف به اجرای تصمیمات شورای امنیت هستند که بر طبق منشور اتخاذ شده باشند. به عبارتی، تصمیم هر رکن بین المللی که با معاهده موسس آن نهاد در تضاد باشد، عمل خارج از حیطه وظایف قلمداد گردیده و اثر حقوقی نخواهد داشت. دولتهای عضو ملل متحد نیز وفق ماده ۲۵ منشور توافق کرده اند که تصمیمات شورای امنیت که بر اساس منشور اتخاذ می شود را اجرا نمایند. بنابراین شورای امنیت نمی تواند با اعمال فشار بر کشورها آنها را مجبور به تبعیت از تصمیمها یا تقاضاهایی نماید که با سوء نیت و یا برخلاف اصول و اهداف بنیادین منشور اتخاذ و مطرح گردیده اند. متأسفانه باید گفت که شورای امنیت در رویکرد تبعیض آمیز خود نسبت به فعالیت هسته ای ایران به نحوی توسط برخی دولتها مورد سوء استفاده قرار گرفته است که ادامه روند مغایر با اصول و اهداف بنیادین منشور این نهاد می تواند باعث تبدیل یک موضوع کاملاً قابل حل به یک بحران بین المللی شود.

در نهایت، ضمن تاکید مجدد به غیرقانونی بودن ارجاع و باقی ماندن پرونده هسته ای ایران در شورای امنیت، نکاتی چند در قالب پیشنهاد جهت بهبود بحران هسته ای ایران ارایه می شود: از آنجایی که ارجاع مجدد پرونده ایران به آژانس، قدرت مانور تیم مذاکره کننده هسته ای کشور را برای چانه زنی با دیگر بازیگران افزایش می دهد و مانع تشدید بحران در منطقه بی ثبات خاورمیانه خواهد بود و هرگونه تحریم علیه ایران بر نابسامانی اوضاع می افزاید، دولتمردان ایران باید با انتخاب دیپلماسی هوشیارانه، چندجانبه گرایانه، موافقت با اقداماتی در راستای اعتمادسازی در چارچوب آژانس و مقاومت در برابر فشارهای سیاسی غرب تلاش کنند منافع ملی کشور را در بسیاری از زمینه ها از جمله امنیت ملی، اقتصاد، سرمایه گذاری خارجی، وجهه سیاسی و حقوقی از آسیب جدی نجات دهند. همچنین با تطبیق ماهرانه سیاست هسته ای و سیاست خارجی کشور با یکدیگر و خودداری از اظهاراتی در سیاست خارجی که می تواند اعتماد جامعه جهانی را نسبت به توسعه دانش هسته ای وی کاهش دهد، در جهت آرام ساختن فضای پرهیاهوی هسته ای گامی اساسی بردارد. مصلحت نظام و منافع ملی کشور با اظهاراتی از قبیل خروج ایران از معاهده N.P.T در تضاد است، به این علت که اذعان به فعالیتهای صلح آمیز ایران توسط اکثریت افکار عمومی و آژانس، تنها

مانع اقدامات آمریکا در برابر ایران می باشد و ایران نباید بایک حرکت عجولانه ابزار لازم را برای توجیه عملیاتی کردن سیاستهای خاورمیانه ای ایالات متحده فراهم کند.

پاورقیها:

1. Robert J. Einborn, "A Transatlantic Strategy on Iran's Nuclear Program," *The Washington Quarterly*, Vol. 27, No. 4, 2004, pp. 21-22.
۲. کاظم غریب آبادی، آشنایی با معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و پروتکل الحاقی، تهران: انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۴۴.
۳. رضا پورشمسی، آشنایی با علوم هسته‌ای، یزد: انتشارات نیکوروش، ۱۳۸۴.
4. Anthony C. Cain, "Iran Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction," *Maxwell Paper*, No. 26, 2002, pp. 7-9.
5. Efraim Inbar, "The Need to Block a Nuclear Iran," *The Middle East Review of International Affairs*, Vol. 10, March 2006, at: <http://www.meria.idc.ac.il>.
6. Fareed Zakaria, "Make Iran an offer It Might Refuse," *Newsweek*, 13 December 2007.
۷. «راهکارهای آمریکا در برخورد با ایران اتمی»، در: <http://www.washingtonprism.org>, 8/9/2010.
۸. بیژن اسدی، «تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۶، ص ۸.
۹. یدالله شبانکاره، «شورای امنیت و پرونده هسته‌ای ایران»، خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۳، ۱۳۸۵، ص ۹.
۱۰. سیدحسین سادات میدانی، «شورای امنیت و پرونده ایران: تقابل صلح بین الملل و حقوق بین الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، ۱۳۸۵، ص ۱۰.
11. Nicholas A. Sims, "Withdrawal Clauses in Disarmament Treaties: A Questionable Logic," *Disarmament Diplomacy*, Dec. 1999, No. 42, pp. 278-279.
12. Harald Muller, "Do NPT Conferences Really Matter? On the Enduring Value of Multilateral Arms Control," *Non-proliferation Conference 2001*, Carnegie Endowment for International Peace, Non-proliferation Conference 2001.
۱۳. روزنامه کیهان، ۱۳۸۴/۵/۱۶، ص ۱۲.
۱۴. محمود رضا گلشن پژوه، پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها، چاپ نخست، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲.
۱۵. روزنامه کیهان، ۱۳۸۴/۶/۱۵، ص ۱۲.
۱۶. کاظم غریب آبادی و محمد قنادی مراغه، «دستاوردهای هسته‌ای دولت نهم؛ اولویت‌های علمی - پژوهشی در صنعت هسته‌ای کشور»، گزارش جمهور، مرکز اسناد و پژوهش ریاست جمهوری، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، ۱۳۸۶، ص ۱۶.

۱۷. مصطفی آذری، تحریم اقتصاد: آثار و پیامدها، سیاست ها و راهکارها، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱.

18. Martti Koskeniemi, "The Police in the Temple: Order, Justice the UN; A Dialectical View," *5 European Journal of International Law*, Vol. 5, 1995, p. 325.

19. D. Bowet, "The Impact of Security Council Decisions on Dispute Settlement Procedure," *EJIL*, 1994, No. 5, p. 92.

۲۰. فریده شایگان، تحول مفهوم صلح و امنیت بین المللی، زیر نظر جمشید ممتاز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۸.

21. Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict (Requested by WHO), *ICJ Reports*, 1996, pp. 18-19.

22. "Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction," Dusko Tadic a/k/a "Dule", 2 October 1995, Available at: <http://www.icty.org/x/cases/tadic/acdec/en/51002.htm>, 5/4/2010.

23. Malcolm N. Shaw, *International Law*, UK: Cambridge University Press, 1997, p. 8.

۲۴. یوسف مولایی، «حق توسعه و جهانشمولی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۶، ۱۳۸۱، ص ۴۹-۸۳.

۲۵. جلال الدین مدنی، حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران: انتشارات همراه، ۱۳۷۴، ص ۳۵۹.

۲۶. علی امیدی و آرزو نصری، «حقوق بین الملل و برنامه هسته ای ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۸۱.

۲۷. نادر ساعد، «فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین الملل منشور: از نظر تا عمل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵، ۱۳۸۵، ص ۶۶.

۲۸. روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۴/۱، ص ۱-۲.

۲۹. همان، ۱۳۸۵/۴/۶، ص ۲.

۳۰. «انرژی هسته ای ایران از آغاز تا امروز (۲۰۰۶)؛ تحلیلی از پروفسور سعید محمودی محقق، استاد و رئیس بخش حقوق بین الملل دانشگاه استکهلم»، در:

http://www.hoghoogh.online.fr/article.php3?id_article=462, 9/5/2010;

همچنین برای اطلاع بیشتر بنگرید به: امیدی و نصری، پیشین، ص ۲۸۰.

۳۱. رضا موسی زاده، حقوق معاهدات بین المللی، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۷۷.